



## الگوهای فرهنگی همسازی شیعه و سنی در جنوب ایران: مطالعه حساسیت میان فرهنگی اهل تسنن و تشیع در جنوب استان فارس (لارستان) و غرب استان هرمزگان (بستک)\*

معصومه تقی‌زادگان<sup>۱</sup>، محمدرضا مریدی<sup>۲</sup>، بهزاد مریدی<sup>۳</sup>

دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۱۵ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۱۸

### چکیده

گفتمان‌های موجود در مورد همگرایی شیعه و سنی، شامل سه گفتمان «تقریب مذاهب»، «وحدت اسلامی»، و «انسجام اجتماعی» هستند، اما فارغ از گفتمان‌ها، مقاله حاضر الگوهای فرهنگی همسازی میان شیعه و سنی در منطقه لارستان (جنوب استان فارس) و بستک (غرب استان هرمزگان) را با رویکرد اجتماعی مطالعه می‌کند. هدف این مقاله، بررسی ابعاد مختلف این الگوی فرهنگی است و پرسش‌های پژوهش عبارتند از اینکه: درجه همزیستی و مدارای فرهنگی میان شیعه و سنی در این منطقه تا چه حد است؟ همچنین، درجه تعصب‌گرایی قومی و مذهبی در میان این دو گروه مذهبی چگونه است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، به مطالعه میدانی و مصاحبه پیمایشی با ۴۲۰ نفر از اهل تشیع و تسنن در منطقه لارستان و بستک پرداخته‌ایم. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در جنوب استان فارس، همزیستی، همگرایی، و درهم‌تنیدگی اجتماعی بین شیعیان و اهل تسنن وجود دارد.

**کلیدواژه‌ها:** اهل شیعه، اهل سنت، فرهنگ جنوب ایران، لارستان، بستک، الگوی حساسیت میان فرهنگی

\* این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی است که با حمایت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس به انجام رسید.

۱. استادیار علوم ارتباطات اجتماعی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

[taghizadegan@ut.ac.ir](mailto:taghizadegan@ut.ac.ir) ✉

۲. استادیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر، تهران، ایران.

[moridi@art.ac.ir](mailto:moridi@art.ac.ir) ✉

۳. استادیار زبان‌شناسی، دانشکده زبان‌های خارجی و زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، شیراز، ایران.

[behzadmoridi@yahoo.com](mailto:behzadmoridi@yahoo.com) ✉

## مقدمه

اختلاف شیعیان و اهل سنت، خطر بزرگی در هم‌پیوندی جهان اسلام است. تفرقه‌انگیزی جهان غرب برای سلطه سیاسی بر کشورهای مسلمان و اختلاف افکنی آگاهانه و ناآگاهانه جهادگران سلفی‌ای مانند القاعده، بوکوحرام و داعش، پیوستگی میان مسلمانان را به خطر انداخته است. در مقاله حاضر به این نکته پرداخته‌ایم که پیوستگی مسلمانان بیش از آنکه برای پایداری خود نیازمند حمایت دنیای سیاست باشد، باید این پایداری را در دنیای فرهنگ دنبال کرد. قرن‌ها همزیستی میان مسلمانان، آن‌ها را به سوی الگوی پذیرفته‌شده‌ای از مدارا برده و شاکله زیست فرهنگی و مذهبی آن‌ها را به وجود آورده است.

هدف این مقاله، مطالعه الگوهای فرهنگی همسازی میان شیعیان و اهل سنت در جنوب ایران و به‌طور مشخص، جنوب استان فارس (لارستان) و غرب استان هرمزگان (بستک) است. پرداختن به این مناطق، اهمیت فراوانی دارد، زیرا مردم این طایفه‌ها به‌خوبی همفکری، همدلی، همسویی، و همزیستی میان اهل سنت و شیعیان را نشان داده‌اند. همسازی فرهنگی میان سنی و شیعه، به‌گونه‌ای گسترش یافته، در سراسر جنوب و جنوب غرب ایران قابل بررسی است. در برخی از روستاهای این مناطق، مساجد اهل سنت و شیعیان، روبه‌روی یکدیگر ساخته می‌شوند و نمازگزاران در ملاقات‌های هرروزه، پیش و پس از نماز، یکدیگر را همراهی می‌کنند (به‌عنوان مثال، در شهر کوچک لطیفی یا روستای براک در جنوبی‌ترین نقطه استان فارس). در مناطق شهری نیز مراودات و تعاملات اجتماعی میان شیعه و سنی رواج دارد؛ به‌گونه‌ای که با یکدیگر همسایه و هم‌خانه می‌شوند، شراکت اقتصادی می‌کنند، و پیوند ازدواج می‌بندند.

پرسش‌های این مقاله عبارتند از اینکه: «درجه همزیستی و مدارای فرهنگی میان شیعه و سنی، در منطقه جنوب ایران، تا چه حد است؟» همچنین، «درجه تعصب‌گرایی قومی و مذهبی در میان این دو گروه مذهبی چگونه است؟» به دنبال این پرسش‌ها، می‌توان پرسید که «آن‌ها چگونه می‌توانند موارد اختلاف را حل کنند؟»، و «چگونه می‌توانند تفاوت‌ها را بپذیرند و آن‌ها را درک کنند؟»

براساس الگوی نظری‌ای که در این مقاله به‌کار رفته است، به این پرسش‌ها پاسخ داده خواهد شد که «اهل تسنن و تشیع، تفاوت‌های فرهنگی میان خود را در چه درجه‌ای از واگرایی



(برتری جویی، تحقیر، و بی تفاوتی فرهنگی) و همگرایی (همدلی، پذیرش تفاوت فرهنگی و هضم‌شدگی فرهنگی) ارزیابی می‌کنند؟» درنهایت اینکه «این ارزیابی چه سطحی از روابط و تعاملات اجتماعی (ازدواج، همکاری، همسایگی، همسفری، شراکت اقتصادی، و...) میان آن‌ها را امکان‌پذیر می‌کند؟»

در این مقاله، ابتدا به سه رویکرد در تبیین رابطه شیعه و سنی می‌پردازیم و نشان می‌دهیم که مقاله حاضر رویکرد انسجام اجتماعی را دنبال می‌کند. سپس، به شرح روش‌شناسی و روش تحقیق میدانی و ساخت پرسش‌نامه می‌پردازیم، و درنهایت، براساس الگوی نظری، فرضیه‌های پژوهش ارائه، و به شیوه میدانی به آزمون گذاشته می‌شوند.

## ۱. ادبیات نظری: وحدت، اتحاد، و تقریب میان مذاهب

اکنون با گذشت بیش از یک قرن از طرح اندیشه همگرایی کشورهای اسلامی، چگونگی طرح این مبحث، همچنان مورد مناقشه است. برخی این مشکل را در صورت‌بندی مسئله و کج‌فهمی‌های ناشی از آن می‌دانند؛ چنان‌که علامه شهید مطهری در تبیین این موضوع چنین گفته‌اند: «مقصود از وحدت امت اسلامی چیست؟ آیا مقصود این است که از میان مذاهب اسلامی، یکی انتخاب شود، و سایر مذاهب کنار گذاشته شود؟ یا مقصود این است که مشترکات همه مذاهب گرفته شود، و متفاوتات همه آن‌ها کنار گذاشته شود، و مذهب جدیدی به این نحو اختراع شود، که درعین هیچ‌یک از مذاهب موجود نباشد؟ یا اینکه وحدت اسلامی، به هیچ‌وجه، ربطی به وحدت مذاهب ندارد و مقصود از اتحاد مسلمین، اتحاد پیروان مذاهب مختلف، درعین اختلافات مذهبی، در برابر بیگانگان است» (مطهری، ۱۳۸۹، ۲۳۱).

در یک دسته‌بندی کلی می‌توان رویکردهای همگرایی اسلامی که تاکنون مطرح شده‌اند را در قالب سه مفهوم پایه دسته‌بندی کرد: ۱. وحدت؛ ۲. اتحاد؛ ۳. تقریب. هر یک از این رویکردها در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی متفاوتی پدید آمده و هر کدام از آن‌ها در بعضی کشورها امکان رشد بیشتری یافته است. مرور کوتاهی بر این رویکردها ما را به سوی رویکرد تحلیلی بهتری هدایت خواهد کرد.

وحدت: جریان‌های مذهبی به‌طور طبیعی از «وحدت» احساس نگرانی می‌کنند، زیرا آن را به‌معنای کوتاه آمدن از عقاید و اصول خود در مقابل مذهب دیگر می‌پندارند. این نگرانی،





واقعیتی است که هم‌اکنون شاهد آن هستیم. در واقع، طرح بحث وحدت، این پرسش را ایجاد می‌کند که آیا منظور از وحدت، تبدیل دو مذهب به یک مذهب و از بین بردن تفاوت‌های مذاهب است؟ ترکیب «وحدت امت اسلامی» به اصطلاح، عبارت است از هماهنگی و سازگاری و حاکم بودن فضای اخوت و برادری در میان مسلمانان، در سایه اشتراکات دینی، مانند اشتراک و اعتقاد به توحید، نبوت، معاد، و اصول دیگر (هادی، ۱۳۸۸، ۷۲)، اما اصطلاح وحدت، دچار ناسازگاری ذاتی درونی است، زیرا بیش از آنکه ناظر به پذیرش تنوع و چندصدایی باشد، به یکسانی و تک‌صدایی گرایش دارد؛ از این رو، کسانی که برای فراخواندن مسلمانان به همزیستی، گفت‌وگو، و همبستگی سیاسی، از اصطلاح وحدت استفاده می‌کنند، در عمل، مبنای معرفتی خود مبنی بر ترجیح یکسانی و تک‌صدایی بر تنوع و چندصدایی را به نمایش می‌گذارند؛ این مبنا چیزی است که به لحاظ معرفت‌شناسانه، شایسته نقد است. اساساً مفهوم وحدت، یک مفهوم غیر عملی و غیر مطلوب است، یعنی هم نشدنی است و هم ناپیوستنی است، زیرا آنچه مطلوب است، تنوع است نه یکسانی. تنوع و تعدد دیدگاه‌ها در درون جامعه اسلامی، پویایی و جنبش را تأمین می‌کند. تجربه زندگی، تاریخ ادیان، و شرایط موجود، همگی محال بودن چنین وحدتی را اثبات می‌کنند.

اتحاد: اصطلاح «اتحاد امت اسلامی» به این معنا است که امت اسلامی با حفظ مذاهب خودشان و بر محور نقاط مشترک دینی، مانند اصل توحید، قرآن کریم، پیامبر اسلام، سنت نبوی، و... در مقابل خطراتی که اصل اسلام و تمام مسلمانان را تهدید می‌کند، اتحاد و همبستگی داشته باشند و از اختلاف‌های مذهبی، سیاسی، نژادی، زبانی، و... پرهیز کنند. در واقع، جنبش وحدت اسلامی را بیش از هر چیز می‌توان واکنش طبیعی مسلمانان در رویارویی با هجوم استعماری غرب ارزیابی کرد. «این حقیقت که چالش غرب، چالشی فرهنگی، اقتصادی، و سیاسی بود و نه دینی، موجب شد که جنبش وحدت اسلامی اساساً جنبشی سیاسی باشد. هر چند سید جمال‌الدین و دیگر طرفداران وحدت اسلامی، خود از رهبران مذهبی بودند، اما هدف اولیه‌شان، سیاسی بود. آن‌ها می‌خواستند به نفوذ و سلطه امپریالیسم غرب بر آسیا پایان دهند» (کاتم، ۱۳۷۸، ۱۶۹). رشد مفهوم اتحاد، در شرایط و زمینه‌های استعمارستیزی و در ترکیب با اندیشه‌های ناسیونالیسم عرب و کشورهای مسلمان دیگر، موجب شد که برخی آن را جنبش پان‌اسلامیسم بنامند (لوئیس، ۱۳۷۲، ۴۵۵). تأکید

بر این نکته اهمیت فراوانی دارد که پیروان اتحاد اسلام، نه تنها به هیچ‌روی داعیه «وحدت مذاهب» به معنای تک‌مذهبی کردن اسلام را نداشتند، بلکه تلاش می‌کردند در آن برهه زمانی، برخلاف بسیاری از وحدت‌طلبان اسلامی پیشین و پسین، از درافتادن به مباحث اختلافیات بپرهیزند و از کنار اختلافات مذهبی عبور کنند (امیر اردوش، ۱۳۸۹).

تقریب: برخلاف دو مفهوم مطرح‌شده، مفهوم تقریب با تعبیرهای نادرست کمتری همراه است. رویکرد تقریب مذاهب اسلامی در قرن اخیر مورد تأکید عالمان بزرگ جهان اسلام، همچون مرحوم آیت‌الله بروجردی، علامه شرف‌الدین عاملی، مرحوم کاشف‌الغطا، و شیخ الازهر مصر، شیخ سلیم بشری، شیخ شلتوت، و علامه قمی بوده است. برخلاف اصطلاح «اتحاد امت اسلامی» که جنبه سیاسی-اجتماعی و عملی دارد، اصطلاح تقریب مذاهب اسلامی، بیشتر جنبه علمی و نظری داشته و در میان عالمان دینی مطرح بوده است. آن‌ها تلاش کرده‌اند براساس مناظرات و گفت‌وگوهای علمی و با رعایت روش‌های علمی و اخلاقی، زمینه آشنایی بیشتر مذاهب اسلامی با اصول و فروع یکدیگر را آماده کنند و در رفع سوءتفاهم‌های مذهبی بکوشند. مجمع جهانی تقریب مذاهب ایران نیز تقریب را به معنای نزدیک شدن پیروان مذاهب اسلامی، با هدف تعارف و شناخت یکدیگر به منظور دستیابی به تئالیف و اخوت دینی براساس اصول مسلم و مشترکات اسلامی می‌داند (سایت مجمع جهانی تقریب، ۱۳۸۹). اندیشه همگرایی با چالش‌های عمده‌ای، از جمله تعصب و فرقه‌گرایی، روبه‌رو است، اما اندیشه تقریب با فراهم کردن زمینه گفت‌وگو میان متفکران مذهبی، شرایط را برای پذیرش و مدارای دینی میان پیروان مذاهب آماده می‌کند.

زمینه‌های ظهور هریک از این رویکردها و زمینه‌های نفوذ، فعالیت، و موفقیت هریک از آن‌ها متفاوت است. اندیشه اتحاد اسلامی (یا اتحاد مسلمانان) در فضای اندیشه سیاسی، رشد و پرورش یافت. در واقع، رویکرد اتحاد و وحدت، به دنبال اتحاد کشورهای مسلمان برای موضع‌گیری سیاسی مشترک در برابر تهدیدهای جهان اسلام است. اندیشه تقریب در فضای اندیشه مذهبی رشد و پرورش یافت. این رویکرد در پی آشنایی مذاهب اسلامی با اصول و فروع یکدیگر برای رفع سوءتفاهم‌های مذهبی است. سطح کنش در رویکرد اتحاد، میان دولت‌ها و جریان‌های کلان سیاسی و حزبی، و در رویکرد تقریب، میان علما، اندیشمندان، و جریان‌های فکری است، اما آنچه در پژوهش حاضر به عنوان رویکرد «انسجام اجتماعی» مورد تأکید است،





با رویکردهای پیشین متفاوت است. رویکرد انسجام اجتماعی، در میان مسلمانان به معنای تقریب یا اتحاد نیست، بلکه به معنای سطح مطلوبی از مراودات و تعاملات اجتماعی است. از دیدگاه جامعه‌شناختی، انسجام، پدیده‌ای است که براساس آن، در سطح یک گروه یا یک جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته و به گونه‌ای متقابل، نیازمند یکدیگر هستند؛ به عبارت دیگر، انسجام به عنوان بخش ضروری‌ای از هر نظام اجتماعی است و فقدان یا میزان پایین آن، نظام اجتماعی را دچار چالش و آسیب می‌کند. جدول زیر سطوح مختلف همگرایی شامل ۱. اتحاد و وحدت سیاسی؛ ۲. تقریب مذاهب؛ ۳. انسجام اجتماعی و فرهنگی را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۱). سطوح مختلف همگرایی شیعه و سنی

مفهوم	سطح	معنا
مفهوم اتحاد میان شیعه و سنی	اغلب دولت‌ها و فعالان سیاسی به دنبال وحدت هستند.	به معنای اتحاد کشورهای مسلمان برای موضع‌گیری سیاسی مشترک در برابر تهدیدهای جهان اسلام
مفهوم تقریب میان شیعه و سنی	اغلب فعالان مذهبی و شخصیت‌های دینی به دنبال تقریب مذاهب هستند.	به معنای آشنایی مذاهب اسلامی با اصول و فروع یکدیگر برای رفع سوء تفاهم‌های مذهبی
مفهوم انسجام میان شیعه و سنی	اغلب کنشگران اجتماعی با درهم‌تنیدگی فرهنگی به دنبال انسجام اجتماعی هستند.	به معنای تعاملات اجتماعی میان پیروان مذاهب اسلامی در راستای افزایش مدارای اجتماعی و کاهش تعصبات مخرب

برخلاف اتحاد سیاسی و تقریب مذهبی که سطح کنش کلان یا نظری دارند، باید گفت سطح کنش در انسجام اجتماعی، خُرد و در حوزه تعاملات روزمره افراد است. به عبارت دیگر، انسجام اجتماعی، به معنای افزایش تعاملات اجتماعی میان پیروان مذاهب اسلامی در راستای افزایش مدارای اجتماعی و کاهش تعصبات فرقه‌گرایانه است.

پژوهش‌هایی که تاکنون درباره اهل سنت انجام شده‌اند نیز بیشتر رویکردهای تاریخی، سیاسی، یا فقهی داشته‌اند. تحقیقات بسیار اندکی به مطالعه اجتماعی اهل سنت پرداخته‌اند؛ از جمله این پژوهش‌ها، پژوهش محسن الویری (۱۳۸۷) با عنوان «تعیین سیاست‌های همگرایی بین مذاهب رسمی کشور» است که با استفاده از روش تحلیل راهبردی<sup>۱</sup>

1. SWOT



تعارض‌های میان شیعه و سنی در ایران را بررسی کرده است. همچنین، سعیدرضا عاملی و حمیده مولایی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «دوجہانی شدن‌ها و حساسیت میان‌فرهنگی» به مطالعه موردی روابط بین‌فرهنگی اهل سنت و شیعیان در استان گلستان پرداخته‌اند. این پژوهش که از نظر اهداف تحقیق و روش تحقیق، نزدیکی و شباهت زیادی به تحقیق حاضر دارد، ضمن سنجش حساسیت و تفاهم فرهنگی میان ترکمن‌ها و غیرترکمن‌ها، تأکید می‌کند که هرچه روابط میان‌فردی آن‌ها افزایش یابد، به تفاهم فرهنگی بیشتری دست می‌یابند؛ از این رو، سیاست‌های ادغام جمعیتی و نزدیکی سکونتگاه‌ها را برای کاهش حساسیت‌های فرهنگی پیشنهاد می‌دهد. با این حال، پژوهش‌هایی که به‌طور مستقیم اهل سنت را به‌عنوان جامعه آماری و نمونه برگزینند و به مطالعه میدانی مناطق سنی‌نشین پردازند، بسیار کم است؛ از همین رو، به مسائلی مانند روابط متقابل میان مردم شیعه و سنی در زندگی روزمره‌شان، نگرش آن‌ها به یکدیگر، و مسائل اجتماعی دیگری مانند ازدواج، معاشرت، مشارکت، و... کمتر توجه شده است؛ در این پژوهش، جست‌وجوی ما در این مسیر است.

در مقاله حاضر، تجربه‌های زندگی روزمره مسلمانان شیعه و سنی در کنار یکدیگر را بررسی می‌کنیم، زیرا معتقدیم که همان‌گونه که همسویی دولت‌های کشورهای اسلامی و اندیشه تقریب میان عالمان اسلامی می‌تواند زمینه را برای همگرایی مسلمانان فراهم کند، همزیستی اجتماعی میان افراد نیز سهم مهمی در این همگرایی دارد؛ از این رو، در ادامه به مطالعه روابط اجتماعی میان اهل سنت و تشیع خواهیم پرداخت و ذهنیت‌های اجتماعی و حساسیت فرهنگی میان آن‌ها را بررسی خواهیم کرد.

## ۲. چارچوب نظری پژوهش: الگوی حساسیت میان‌فرهنگی

همان‌گونه که در بیان مسئله گفتیم، در پژوهش حاضر در پی سنجش واگرایی و همگرایی فرهنگی، یا به عبارت دیگر، تبیین شکاف فرهنگی و همسازی فرهنگی میان اهل سنت و شیعیان در جنوب و جنوب غربی کشور هستیم.

می‌توان گفت، شکاف فرهنگی، ناشی از تعصب‌گرایی میان افراد دو فرهنگ مذهبی شیعه و سنی، و همسازی فرهنگی، ناشی از نسبی‌گرایی میان افراد دو فرهنگ مذهبی شیعه و سنی است؛ بنابراین، برای سنجش میزان همگرایی و واگرایی میان اهل سنت و شیعیان یا به تعبیری،



شکاف و همسازی فرهنگی میان آن‌ها، میزان تعصب‌گرایی و نسبی‌گرایی فرهنگی آن‌ها را براساس الگوی «حساسیت میان‌فرهنگی» میلتون بنت، خواهیم سنجید<sup>۱</sup>. میلتون بنت از اندک نظریه‌پردازانی است که حساسیت میان‌فرهنگی را از سطح نظری به سطح عملیاتی آورده و آن را سنجش‌پذیر کرده است. بنت در الگوی توسعه‌ای حساسیت میان‌فرهنگی<sup>۲</sup> خود، واکنش‌های مردم را در برابر تفاوت‌های فرهنگی توضیح می‌دهد. فرضیه اصلی این الگو این است که هرچه تجربه تفاوت بین فرهنگی افراد، پیچیده‌تر و دشوارتر شود، توانش فرد در روابط بین‌فرهنگی افزایش می‌یابد.

جدول شماره (۲). الگوی نظری پژوهش و مقیاس اندازه‌گیری تحقیق

تعصب‌گرایی فرهنگی		← نسبی‌گرایی فرهنگی										
انکار تفاوت		دفاع از تفاوت		تقلیل تفاوت		پذیرش تفاوت		انطباق با تفاوت		هم‌آمیزی با تفاوت		
انزوا	جداجویی	تحقیر	برتری	وارونگی	جهان‌گرایی زیستی	جهان‌گرایی بشری	نسبیت رفتاری	نسبیت ارزشی	همدلی	کثرت‌گرایی	هضم	کنارهم نشینی
نمره‌های طیف												
بحران و شکاف در روابط و واگرایی میان دو فرهنگ		مرحله انتقال و تغییر نگرش						حل بحران و همگرایی میان دو فرهنگ				
تفسیر نمره‌های طیف												

منبع: همر، بنت، و وایزمن، ۲۰۰۳؛ کاشیما، ۲۰۰۶، ۲۸.

براساس نظر بنت، حساسیت میان‌فرهنگی می‌تواند بر روی پیوستاری از تعصب قوم‌مدارانه تا نسبی‌گرایی قومی قرار گیرد. این الگوی طیفی است که نگاه افراد انسانی را به فرهنگ‌های دیگر در متن روابط فرهنگی در دو مرحله اصلی بررسی می‌کند: نگاه و شخصیت تعصب‌گرا و قوم‌مدار<sup>۳</sup>، و نگاه و شخصیت نسبی‌گرای فرهنگی و قومی<sup>۴</sup>. هریک از این مراحل، به سه زیر مرحله تقسیم

۱. نمونه‌های اندکی از کاربرد مقیاس بنت در ایران وجود دارد؛ به‌عنوان مثال، می‌توان پژوهش طاهره خیرخواه که به رابطه بین فرهنگی ایرانیان و مهاجران افغانی پرداخته و تحقیق مصطفی احمدزاده و همکارانش (۱۳۸۵) که به رابطه میان فرهنگی ایرانیان و آمریکای‌ها پرداخته اشاره کرد.

2. Developmental Model of Intercultural Sensitivity (DMIS)
3. Ethnocentric
4. Ethnorelative



می‌شود. نگاه تعصب‌گرا و قوم‌مدار شامل زیرمجموعه‌های انکار<sup>۱</sup>، دفاع<sup>۲</sup>، و تقلیل‌گرایی<sup>۳</sup> و نگاه نسبی‌گرا شامل مرحله‌های پذیرش<sup>۴</sup>، انطباق<sup>۵</sup>، و هم‌آمیزی<sup>۶</sup> است. به این ترتیب، پیوستار نظری بنت از انکار شروع شده و به هم‌آمیزی ختم می‌شود (پیازه و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۰۳).

همان‌گونه که طیف بالا نشان می‌دهد، الگوی بنت در بردارنده شش مرحله است که عبارتند از: ۱. انکار تفاوت؛ ۲. دفاع از تفاوت؛ ۳. تقلیل تفاوت؛ ۴. پذیرش تفاوت؛ ۵. انطباق با تفاوت‌ها؛ ۶. هم‌آمیزی با تفاوت. در ادامه شرح مختصری از این شش مرحله ارائه شده است. تعریف مختصر و ابعاد عملیاتی این مراحل در جدول شماره (۳) ارائه شده است.

جدول شماره (۳). مراحل نظری و ابعاد تحلیلی در سنجش حساسیت فرهنگی

سطوح	مراحل	تعریف	ابعاد
تعصب‌گرایی فرهنگی و قومی	مرحله اول	انکار یا بی‌تفاوتی و یا ناآگاهی از تفاوت‌ها؛ افراد حاضر در این مرحله در محیط‌های به‌لحاظ فرهنگی همگن، رشد کرده‌اند و تماس‌های اندکی با اعضای فرهنگ‌های دیگر داشته‌اند. ویژگی این مرحله، مشاهدات خام دربارهٔ دیگری‌های متفاوت فرهنگی، و گزاره‌های سطحی دربارهٔ تساهل است.	انزوا یا دوری غیر عمد جداجویی یا دوری عامدانه
	مرحله دوم	دفاع از تفاوت یا ارزیابی منفی از تفاوت؛ افراد در این مرحله از تفاوت و تمایز هراس دارند و موضعی که در برابر این تهدید اتخاذ می‌کنند، عبارت است از: «محافظت از جهان‌نگری خود». دوقطبی تفکری ملأ آن‌ها و کلیشه‌های ذهنی آشکار و منفی، در این مرحله عمومیت دارند.	برتری تحقیر خودباختگی
نسبی‌گرایی فرهنگی و قومی	مرحله سوم	فروکاستن تفاوت با تأکید بر اشتراک فرهنگی؛ افراد در این مرحله، تفاوت را به رسمیت می‌شناسند، اما تفاوت از نظر آن‌ها تفاوت‌های سطحی است. آن‌ها همچنان بر نقاط مشترک تأکید و پافشاری می‌کنند.	جهان‌گرایی فیزیکی جهان‌گرایی زیستی
	مرحله چهارم	پذیرش تفاوت‌ها و درک آن‌ها؛ در این مرحله، تمایزهای فرهنگی، شناسایی و درک می‌شوند. تفاوت‌های فرهنگی در رفتار و ارزش‌ها نه تنها پذیرفته می‌شود، بلکه مطلوب تلقی می‌گردد.	نسبیت رفتاری نسبیت ارزشی

1. Denial
2. Defence
3. Minimization
4. Acceptance
5. Adaptation
6. Integration
7. Michael Paige, R.



ابعاد	تعریف	مراحل	سطوح
همدلی پلورالیسم	انطباق با تفاوت‌ها؛ در این مرحله، افراد تلاش می‌کنند تا بتوانند تصور کنند که مردمان فرهنگ‌های دیگر، چگونه فکر می‌کنند.	مرحله پنجم	
ارزیابی بافتی کنارهم نشینی سازنده	هم‌آمیزی تفاوت‌ها یا هضم شدن فرهنگی؛ در این مرحله، افراد می‌توانند مرزهای هویت پیشین خود را به‌طور کامل درنوردیده و خود، برای تشکیل چارچوب‌های هویتی اقدام کنند.	مرحله ششم	

در ادامه، براساس آنچه در الگوی نظری و روش‌شناختی مطرح شده است، فرضیه‌های پژوهش ارائه شده‌اند: فرضیه (۱). دیدگاه‌های اهل سنت و شیعیان در مورد تأکید بر تفاوت‌های میان شیعه و سنی تفاوت معناداری دارند؛ فرضیه (۲). دیدگاه‌های اهل سنت و شیعیان در مورد دفاع از تفاوت میان شیعه و سنی تفاوت معناداری دارند؛ فرضیه (۳). دیدگاه‌های اهل سنت و شیعیان درباره‌ی فروکاستن تفاوت‌های میان شیعه و سنی تفاوت معناداری دارند؛ فرضیه (۴). دیدگاه‌های اهل سنت و شیعیان در مورد پذیرش تفاوت‌های میان شیعه و سنی تفاوت معناداری دارند؛ فرضیه (۵). دیدگاه‌های اهل سنت و شیعیان در مورد انطباق با تفاوت‌های میان شیعه و سنی تفاوت معناداری دارند؛ فرضیه (۶). دیدگاه‌های اهل سنت و شیعیان درباره‌ی ادغام تفاوت‌های میان شیعه و سنی تفاوت معناداری دارند؛ فرضیه (۷). دیدگاه‌های اهل سنت و شیعیان در مورد قوم‌مداری فرهنگی تفاوت معناداری دارند؛ فرضیه (۸). دیدگاه‌های اهل سنت و شیعیان در زمینه‌ی نسبی‌گرایی قومی در فرهنگ تفاوت معناداری دارند؛ فرضیه (۹). حساسیت فرهنگی شیعه و سنی تفاوت معناداری با یکدیگر دارند.

### ۳. روش پژوهش: سنجش در میدان تحقیق

جغرافیای پژوهش حاضر، غرب استان هرمزگان و جنوب استان فارس را دربر می‌گیرد. درواقع، میدان تحقیق از شهرستان خنج، گراش، لار، تا بستک است. جامعه آماری شامل مراکز شهری بخش‌های واقع در شهرستان‌هایی است که در مرز جغرافیایی تحقیق قرار دارند و عبارتند از: شهرهای فیشور، اوز، لار، خور تا بستک.

براین‌اساس، این پژوهش، شیعیان و اهل سنت را در منطقه‌های مشترک میان چند شهرستان دربر می‌گیرد؛ ازهمین‌رو، تعیین تعداد جامعه آماری براساس داده‌های سرشماری،



چندان امکان‌پذیر نیست. در حال حاضر، جمعیت نقاط شهری شهرستان لارستان، برابر صدوسی و سه هزار و چهارده نفر (۱۳۳۱۴) و جمعیت نقاط شهری شهرستان بستک برابر با شانزده هزار و هشتصد و شصت و نه نفر (۱۶۸۶۹) است، یعنی جمعیتی نزدیک به صد و پنجاه هزار نفر در میدان مطالعه پژوهش حضور دارند. البته از این تعداد باید جمعیت کودکان و سالمندانی که قادر به ارائه دیدگاه نیستند را کم کرد، اما مشکل بزرگ‌تر در برآورد جامعه آماری این است که آمار رسمی و سرشماری شده‌ای از تعداد اهل سنت در اختیار نیست. همچنین، توزیع گسترده جغرافیایی تحقیق، محاسبه واریانس و ناهمگنی در پیش‌آزمون و تعمیم آن به جامعه آماری را مبهم می‌کند. در منطقه جنوب فارس، شیعیان در شهرهای لار و گراش متمرکز هستند، در حالی که اهل تسنن در حوزه گسترده‌تری از شهرها و روستاهای کوچک منطقه زندگی می‌کنند؛ این نکته نه تنها بر محاسبه حجم نمونه، بلکه بر شیوه نمونه‌گیری نیز تأثیر می‌گذارد.

در مواردی که واریانس جامعه یا درصد خطا را در اختیار نداشته باشد، می‌توان از جدول مورگان برای برآورد حجم نمونه استفاده کرد. براساس جدول مورگان، برای جامعه آماری بیش از صد هزار نفر، برآورد جامعه نمونه، سیصد و هشتاد و چهار نفر محاسبه شده است و برای جمعیتی برابر یک میلیون و پانصد هزار نفر، برآورد جامعه نمونه، برابر چهارصد نفر است. در پژوهش حاضر، با چهارصد و بیست نفر از شیعیان و اهل سنت، مصاحبه شده است. توزیع نمونه‌ها میان دو گروه، برابر در نظر گرفته شد، زیرا اگرچه شیعیان در شهرهای بزرگ‌تر متمرکز هستند و با استدلال همگنی جغرافیایی، سهم کمتری از تعداد نمونه دارند، و در مقابل، اهل سنت، توزیع جغرافیایی پراکنده‌تری دارند، اما به‌عنوان اقلیت مذهبی، اغلب دیدگاه‌های منسجم‌تری دارند؛ بنابراین، برای توزیع مناسب نمونه‌ها، تعداد مصاحبه‌ها در میدان پژوهش برابر در نظر گرفته شد. در تنظیم پرسش‌نامه، از پژوهش‌های دیگری مانند پرسش‌نامه طراحی شده توسط میلتون بنت در سنجش قوم‌مداری فرهنگی و پژوهش سیدرضا عاملی و حمیده مولایی (۱۳۸۸) در مطالعه روابط بین فرهنگی اهل سنت و شیعیان در استان گلستان استفاده شده است. نمره‌گذاری‌های پژوهش برای سنجش حساسیت میان فرهنگی، به‌صورت طیف لیکرت با نمره‌گذاری پنج‌تایی بود. برای سنجش قابلیت اعتماد، یعنی دقت ابزار اندازه‌گیری و پرسش‌نامه طراحی شده، از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. برای مجموع ۱۹ گویه طراحی شده در سنجش مفهوم



قوم‌گرایی فرهنگی، مقدار آلفا برابر  $0/88$ ، و  $19$  گویه طراحی شده در سنجش مفهوم نسبی‌گرایی فرهنگی، برابر با  $0/84$  به دست آمد که نشان‌دهنده اعتبار قابل قبول ابزار سنجش است. همچنین، از آزمون کولموکروف اسمیرنوف<sup>۱</sup> برای تعیین تکنیک‌های آماری استفاده شد و نتیجه نشان داد که توزیع داده‌ها، نرمال نیست؛ بنابراین، در سنجش داده‌ها از آزمون ناپارامتریک یو-من ویتنی<sup>۲</sup> استفاده شد.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

در حال حاضر، جمعیت اهل سنت جنوب ایران، تقریباً هفتصد هزار نفر برآورد می‌شود. علاوه بر این، نزدیک پنجاه هزار نفر نیز در کشورهای عربی خلیج فارس ساکن هستند. افزایش روند مهاجرت از منطقه لارستان و بستک برای اشتغال، به مقصد کشورهای دیگر، به‌ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس، در کاهش جمعیت اهل سنت تأثیر فراوانی داشته است؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از روستاها و آبادی‌های جنوب، اکثریت جمعیت بومی خود را به دلیل مهاجرت از دست داده‌اند. در شرایط فعلی، در سایه همزیستی مسالمت‌آمیز اهل سنت و شیعیان در شهرهای جنوبی ایران، با وجود تغییرات جمعیتی و تبدیل شدن اهل سنت به اقلیت، مسجدها و مراکز دینی در این مناطق بسیار فعال هستند. در ادامه به مطالعه پیمایشی روابط شیعه و سنی در این منطقه می‌پردازیم.

#### ۱-۴. تأکید بر تفاوت میان شیعه و سنی

تأکید بر تفاوت (که در الگوی حساسیت فرهنگی بنت با عنوان انکار تفاوت نیز مطرح شده است) میان اهل سنت و شیعیان نشان داد که اهل سنت در مقایسه با شیعیان، تمایل بیشتری دارند که در کنار هم مذهب‌های خودشان زندگی کنند. همچنین،  $55/7$  درصد از اهل سنت در مقایسه با  $34/8$  درصد از شیعیان ترجیح می‌دهند در مسائل اعتقادی بیشتر آثار مکتوب نویسندگان اهل مذهب خودشان را مطالعه کنند؛ حتی  $43/8$  درصد اهل سنت در مقایسه با  $22/6$  درصد شیعیان، دیدگاه جانبدارانه‌تری در مورد این مسئله دارند که اهل مذهب دیگر، نمی‌تواند در جنبه‌هایی از مذهب خودش برحق‌تر باشد. تفاوت دیدگاه‌ها در فرضیه شماره (۱) آزمون شد.



1. Kolmogorov- Smirnovz

2. U Mann-Whitney

جدول شماره (۴). دیدگاه شیعه و سنی درباره انکار تفاوت‌ها

سطح معناداری	درجه آزادی	آزمون $\chi^2$	کاملاً مخالفم	مخالفم	تاحدی	موافقم	کاملاً موافقم		
/۰۰۰	۴	a <sup>۳۲/۵۱۸</sup>	۲۵/۲	۳۰/۰	۲۱/۹	۱۲/۹	۱۰/۰	شیعه	ترجیح می‌دهم تنها در کنار اهل مذهب خودم زندگی کنم.
			۱۲/۴	۲۲/۴	۱۶/۷	۲۸/۱	۲۰/۵	سنی	
/۰۰۰	۴	a <sup>۳۳/۰۶۹</sup>	۱۶/۷	۲۸/۱	۲۰/۵	۲۰/۰	۱۴/۸	شیعه	ترجیح می‌دهم در مسائل اعتقادی، تنها آثار مکتوب نویسندگان اهل مذهب خودم را مطالعه کنم.
			۸/۱	۱۲/۴	۲۳/۸	۲۴/۳	۳۱/۴	سنی	
/۰۰۰	۴	a <sup>۴۲/۸۸۶</sup>	۱۴/۴	۲۹/۸	۳۳/۲	۱۴/۴	۸/۲	شیعه	این احتمال که اهل مذهب دیگر در جنبه‌هایی از مذهب خود برحق باشند از اساس منتفی است.
			۳/۳	۱۶/۲	۳۶/۷	۳۶/۲	۷/۶	سنی	

فرضیه (۱). دیدگاه‌های اهل سنت و شیعه در زمینه تأکید بر تفاوت‌های میان شیعه و سنی تفاوت معناداری دارند.

تأکید بر تفاوت‌های میان شیعه و سنی به‌عنوان یک متغیر ترکیبی، دارای میانگین ۸/۸ است که از میانگین موردانتظار (ترکیبی از ۳ متغیر با میانگین موردانتظار ۹) کمتر است، یعنی درجه انکار فرهنگی و قومی از سطح متوسط نیز پایین‌تر است که حاکی از بحرانی نبودن وضعیت است. نتیجه آزمون یومن ویتی ( $z=-7.304, sig=0.00$ ) تأیید شد و نشان داد که انکار تفاوت فرهنگی در میان اهل تشیع، بیشتر از اهل تسنن است؛ به عبارت دیگر، تأکید بر این تفاوت‌ها (با نمره کمتر) در اهل سنت بیشتر است و این مسئله‌ای دور از انتظار نیست، زیرا اهل سنت که تصور می‌کنند در اقلیت مذهبی قرار دارند و رسانه‌های اجتماعی برای توسعه خودشان در اختیار ندارند، بر حفظ دیدگاه‌های مذهبی و نگرش‌های فرهنگی خود بیشتر تأکید می‌کنند.

#### ۲-۴. دفاع از تفاوت‌ها میان شیعه و سنی

اهل سنت، بر این نظرند که تفاوت‌های فرهنگی زیادی با اهل تشیع دارند و شیوه زندگی دینی‌شان را الگویی برای فرهنگ‌های دیگر می‌دانند. روی هم‌رفته، ۶۳/۸ درصد از اهل سنت معتقدند، اخلاق اجتماعی در میان اهل سنت بیشتر از اهل تشیع رعایت می‌شود؛ این دیدگاه در اهل تشیع کم‌رنگ‌تر است. همچنین، ۷۵/۹ درصد از اهل سنت در مقایسه با ۶۷/۸ درصد از اهل تشیع معتقدند، تنها شیوه مطلوب برای فرزندان، زندگی به شیوه خودشان و انتخاب مذهب خودشان است. همچنین، ۶۷/۹ درصد از اهل سنت در مقایسه با ۳۶/۹ درصد از اهل تشیع معتقدند که آن‌ها نسبت به سایر گروه‌های اسلامی از اعتقادات قوی‌تری برخوردار هستند و ۵۳/۹ درصد اهل سنت در مقایسه با ۳۳/۸ درصد از اهل تشیع، معتقدند که اهل مذهب خودشان، در انجام



وظایف و احکام دینی، بهتر عمل می‌کنند. دیدگاه اهل سنت و شیعیان در پاسخ به این عبارت که «حاضر نیستم مذهب دیگری جز مذهب خودم داشته باشم»، دیدگاه همانندی دارند و ۸۳/۵ درصد اهل تسنن و ۸۳ درصد از شیعیان بر حفظ مذهب خودشان تأکید دارند.

جدول شماره (۵). دیدگاه شیعه و سنی درباره دفاع از تفاوت‌ها

سطح معناداری	درجه آزادی	آزمون $\chi^2$	کاملاً مخالفم	مخال فم	تاحدی	موافقم	کاملاً موافقم	
/۰۰۰	۴	۲۰/۴۸۵ <sup>a</sup>	۱۱/۴	۲۹/۰	۳۲/۴	۱۶/۷	۱۰/۵	معتمد که با اهل مذهب دیگر، تفاوت‌های فرهنگی زیادی داریم.
			۶/۲	۱۴/۴	۳۸/۸	۲۴/۹	۱۵/۸	
/۰۰۲	۴	۱۷/۲۴۴ <sup>a</sup>	۱۱/۶	۱۵/۹	۱۴/۰	۲۵/۶	۳۲/۹	شیوه زندگی دینی ما باید الگویی برای سایر ادیان و مذاهب باشد.
			۲/۹	۱۱/۴	۱۱/۴	۳۴/۳	۴۰/۰	
/۰۱۰	۴	۱۳/۳۱۰ <sup>a</sup>	۱۰/۵	۱۷/۲	۱۹/۶	۲۴/۹	۲۷/۸	در میان تمام ادیان و مذاهب، اصول مذهب من عقلانی‌تر و قابل قبول‌تر است.
			۳/۴	۱۱/۱	۲۰/۳	۳۲/۴	۳۲/۹	
/۰۰۰	۴	۳۸/۵۴۱ <sup>a</sup>	۱۴/۳	۱۴/۸	۱۷/۶	۱۸/۱	۳۵/۲	شیوه زندگی اهل مذهب خودم می‌تواند الگوی مناسبی برای سایر مذاهب جهان اسلام باشد.
			۱/۹	۴/۸	۱۹/۰	۲۸/۶	۴۵/۷	
/۰۰۰	۴	۸۷/۶۳۴ <sup>a</sup>	۲۰/۵	۳۱/۴	۲۵/۷	۱۳/۳	۹/۰	به‌نظم اخلاق اجتماعی در میان اهل مذهب خودم بیشتر از پیروان مذاهب دیگر رعایت می‌شود.
			۲/۹	۱۳/۸	۱۹/۵	۳۰/۰	۳۳/۸	
/۰۰۱	4	۱۸/۹۲۰ <sup>a</sup>	۱۳/۹	۹/۱	۹/۱	۲۵/۰	۴۲/۸	تنها شیوه مطلوب برای فرزندانم، زندگی به شیوه من و انتخاب مذهب خودم است.
			۲/۹	۸/۱	۱۲/۹	۲۳/۴	۵۲/۶	
/۰۰۰	4	۳۱/۳۳۱ <sup>a</sup>	۱۷/۷	۱۹/۶	۲۵/۸	۱۸/۲	۱۸/۷	اهل مذهب خودم نسبت به سایر گروه‌های اسلامی از اعتقادات قوی‌تری برخوردارند.
			۲/۹	۷/۶	۲۱/۴	۲۷/۶	۴۰/۵	
/۰۰۰	۴	۵۵/۳۶۱ <sup>a</sup>	۱۸/۶	۳۰/۰	۱۷/۶	۱۶/۲	۱۷/۶	اهل مذهب خودم نسبت به سایر گروه‌های اسلامی در انجام وظایف و احکام دینی خود بهتر عمل می‌کنند.
			۹/۰	۱۲/۹	۱۶/۲	۲۴/۸	۳۷/۱	
/۰۰۰	۴	۳۹/۸۰۸ <sup>a</sup>	۱۸/۶	۳۰	۱۷/۶	۱۶/۲	۱۷/۶	اهل مذهب خودم نسبت به اهل مذاهب دیگر، در مورد امور مختلف زندگی، دید بازتری دارند.
			۹	۱۲/۹	۱۶/۲	۲۴/۸	۳۷/۱	
/۱۴۹	۴	۶/۷۶۲ <sup>a</sup>	۱۱/۰	۵/۷	۱۲/۰	۲۰/۶	۵۰/۷	حاضر نیستم مذهب دیگری جز مذهب خودم داشته باشم.
			۷/۱	۳/۳	۹/۰	۱۸/۱	۶۲/۴	

دفاع از تفاوت‌ها



فصلنامه علمی پژوهشی

۱۷۴

دوره ۱۱، شماره ۳  
پاییز ۱۳۹۷  
پیاپی ۴۳

فرضیه (۲). دیدگاه‌های اهل سنت و شیعیان، در مورد دفاع از تفاوت میان شیعه و سنی تفاوت معناداری دارد.

دفاع از تفاوت میان شیعه و سنی به‌عنوان یک متغیر ترکیبی، دارای میانگین ۱۹/۶ است که از میانگین موردانتظار که نشانگر عدم تعصب و جانبداری است (ترکیبی از ۸ متغیر با میانگین موردانتظار ۲۴) کمتر است<sup>۱</sup>، یعنی جانبداری در دفاع از تفاوت‌های فرهنگی و قومی زیاد است. نتیجه آزمون یو من ویتنی ( $z=-6.875, sig=0.00$ ) تأیید شد و نشان داد که جانبداری از تفاوت فرهنگی در میان اهل تسنن (با نمره کمتر) بیشتر از اهل تشیع است<sup>۲</sup>.

۱. هرچه نمره و امتیاز کمتر باشد، جانبداری بیشتر است.

۲. همان‌گونه که جدول میانگین‌ها نشان می‌دهد، نمره میانگین اهل سنت کمتر از شیعیان است.

### ۳-۴. فروکاستن تفاوت‌ها میان شیعه و سنی

اهل سنت و شیعیان بر دیدگاه‌ها و فصل مشترک‌هایشان تأکید بیشتری دارند تا تفاوت‌هایشان؛ ۶۴/۷ درصد از اهل سنت و ۷۱/۹ درصد از شیعیان بر این نظرند که «ممکن است در ظاهر متفاوت باشند، اما در باطن، در بسیاری از ارزش‌ها و اعتقادات با یکدیگر سهیم هستند»؛ و ۸۱/۹ درصد از اهل سنت و ۸۲/۸ درصد از شیعیان معتقدند، باید به‌جای تأکید بر تفاوت‌هایشان، بر شباهت بزرگشان که مسلمان بودن است، تأکید کنند. درباره درستی اهل سنت و شیعیان نیز دیدگاه‌های مثبت و همانندی وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که ۸۵/۷ درصد از اهل سنت و ۹۲/۳ درصد از اهل تشیع بیان کرده‌اند که دوستی بین آن‌ها مانعی ندارد و البته دیدگاه شیعیان مثبت است؛ همان‌گونه که ۸۵/۱ از اهل تشیع در مقایسه با ۷۷/۲ از اهل سنت معتقدند، با وجود تفاوت‌ها می‌توانند دوستان خوبی با هم باشند. تفاوت این دیدگاه‌ها در فرضیه شماره (۳) آزمون شد.



جدول شماره (۶). دیدگاه شیعیان و اهل سنت در مورد فروکاستن تفاوت‌ها

سطح معناداری	درجه آزادی	آزمون $\chi^2$	کاملاً مخالفم	مخالفم	تاحدی	موافقم	کاملاً موافقم		
/۰۵۱	۴	۹/۴۳۴ <sup>a</sup>	۵/۳	۹/۱	۲۸/۷	۳۰/۶	۲۶/۳	شیعه	موارد اشتراک ما و مذاهب دیگر (شیعه و سنی) بیش از موارد اختلاف میان ما است.
			۱/۹	۱۷/۶	۲۶/۷	۳۰/۰	۲۳/۸	سنی	
/۱۳۲	۴	۷/۰۷۷ <sup>a</sup>	۱/۹	۹/۰	۱۰/۰	۳۷/۹	۴۸/۶	شیعه	پیروان مذاهب، به‌ویژه اهل تسنن و تشیع می‌توانند با نادیده گرفتن تفاوت‌ها در کنار یکدیگر زندگی کنند.
			۲/۴	۹/۱	۱۷/۷	۳۰/۶	۴۰/۲	سنی	
/۲۸۵	۴	۵/۰۲۱ <sup>a</sup>	۴/۳	۵/۲	۱۸/۶	۳۸/۶	۳۳/۳	شیعه	ممکن است ما در ظاهر متفاوت باشیم، اما در باطن در بسیاری از ارزش‌ها و اعتقادات با یکدیگر سهیم هستیم.
			۲/۹	۶/۲	۶۲/۲	۳۱/۴	۳۳/۳	سنی	
/۰۸۴	۴	۸/۲۰۴ <sup>a</sup>	۲/۹	۵/۲	۹/۰	۲۷/۶	۵۵/۲	شیعه	بهرتر است به‌جای تأکید بر تفاوت‌هایمان، بر شباهت بزرگمان که مسلمان بودن است تأکید کنیم.
			۱	۲/۹	۱۵/۲	۳۲/۹	۴۹/۰	سنی	
/۱۳۰	۴	۷/۱۲۱ <sup>a</sup>	۳/۳	۸/۱	۱۱	۲۳/۸	۵۳/۸	شیعه	من از شنیدن اخبار اختلاف شیعه و سنی ناراحت می‌شوم.
			۳/۴	۱۲/۶	۱۷/۱	۲۳/۸	۴۳/۳	سنی	
/۰۰۰	۴	۳/۱۴۱۳ <sup>a</sup>	۱/۹	۳/۳	۷/۶	۲۹/۵	۵۷/۶	شیعه	اهل مذاهب دیگر (شیعه و سنی) اگرچه با ما یکسان نیستند، اما می‌توانند برای ما دوستان خوبی باشند.
			۰/۰	۱۰/۰	۱۲/۹	۴۲/۹	۳۴/۳	سنی	
/۲۹۰	۴	۴/۹۷۲ <sup>a</sup>	۱/۴	۱/۹	۱۵/۲	۳۶/۲	۴۵/۲	شیعه	من نه تنها از پیروان مذاهب دیگر (شیعه و سنی) دوری نمی‌کنم، بلکه آن‌ها را در کنار خود می‌پذیرم.
			۱/۷	۲/۶	۱۸/۶	۳۵/۷	۴۱/۴	سنی	
/۰۰۰	۴	۲۰/۳۴۳ <sup>a</sup>	۱	۰/۰	۶/۷	۲۹/۰	۶۳/۳	شیعه	به‌نظر من، دوستی اهل تسنن و اهل تشیع مانعی ندارد.
			۱	۱/۲	۱۲/۱	۳۰/۲	۵۵/۵	سنی	



فرضیه (۳). دیدگاه‌های اهل سنت و شیعیان درباره فروکاستن تفاوت‌های میان شیعه و سنی تفاوت معناداری دارند.

فروکاستن تفاوت میان شیعه و سنی به‌عنوان یک متغیر ترکیبی دارای میانگین ۲۸/۱ است که از میانگین موردانتظار (ترکیبی از ۸ متغیر با میانگین موردانتظار ۲۴) بیشتر است، یعنی درجه تقلیل تفاوت فرهنگی و قومی از سطح متوسط بیشتر است که حاکی از مداراجویی و همانندپنداری فرهنگی است. نتیجه آزمون یو من ویتنی ( $sig=008 z=-2.656$ ) تأیید شد و نشان داد که دیدگاه فروکاستن تفاوت‌های فرهنگی در میان اهل تشیع، کمی بیشتر است؛ درحالی‌که دیدگاه تأکید بر تفاوت فرهنگی در اهل تسنن بیشتر است.

#### ۴-۴. پذیرش تفاوت‌ها میان شیعه و سنی

مدارای فرهنگی، مبتنی بر پذیرش تفاوت‌ها و اختلاف‌ها است؛ همان‌گونه که ۳۶/۸ درصد از اهل سنت و ۳۱/۹ درصد از شیعیان معتقدند: «طبیعی است که در برخورد و ارتباط با پیروان مذهب دیگر (شیعه و سنی) گاهی از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند»، و ۶۴/۸ درصد از اهل سنت و ۶۹/۵ درصد از اهل تشیع بیان کرده‌اند که: «طرفداران مذاهب مختلف می‌توانند آزادانه طبق ارزش‌های خود رفتار کنند». علاوه‌براین، ۷۲/۴ درصد از اهل سنت و ۸۱/۹ درصد از شیعیان بر این نظرند که تفاوت اعتقادات میان شیعه و سنی، عادی و طبیعی است. این یافته‌ها نشان‌دهنده درجه بالایی مدارای فرهنگی شیعه و سنی در منطقه مورد مطالعه است. البته تفاوت دیدگاه‌ها در فرضیه شماره (۴) به آزمون گذاشته شد.

جدول شماره (۷). دیدگاه شیعیان و اهل سنت درباره پذیرش تفاوت‌ها

سطح معناداری	درجه آزادی	آزمون $\chi^2$	کاملاً موافقم	موافقم	ناحدی	مخالفم	کاملاً مخالفم	
/۰۹۹۹	۴	۷/۸۱۴	۴۰/۰	۳۱/۰	۱۶/۷	۷/۱	۵/۲	وجود مذاهب و ادیان مختلف در یک کشور امر مطلوب و شیعه مناسبی است.
			۳۰/۵	۳۱/۹	۲۶/۷	۶/۷	۴/۳	
/۰۷۳	۴	۸/۵۵۴	۳۹/۰	۲۸/۱	۱۱/۴	۱۲/۴	۹/۰	دو مذهب تسنن و تشیع برتری ذاتی نسبت به یکدیگر ندارند.
			۳۳/۸	۲۸/۱	۱۸/۶	۱۵/۲	۴/۳	
/۰۰۰	۴	۲۷/۸۶۰	۳۴/۰	۲۶/۸	۱۴/۴	۱۵/۳	۹/۶	من عموماً از وجود تفاوت‌هایی که میان اهل تسنن و تشیع وجود دارد، احساس بدی ندارم.
			۱۷/۶	۳۴/۳	۲۸/۶	۱۵/۷	۳/۸	
/۰۱۳	۴	۱۲/۷۴۵	۳۸/۶	۳۰/۵	۲۲/۹	۵/۲	۲/۹	من در تعامل با پیروان مذهب دیگر (شیعه و سنی) احساس خوبی پیدا می‌کنم.
			۲۳/۸	۳۷/۶	۲۹/۰	۸/۱	۱/۴	



سطح معناداری	درجه آزادی	آزمون $\chi^2$	کاملاً موافقم	موافقم	تاحدی	مخالقم	کاملاً مخالفم		
/۲۳۸	۴	۵/۵۲۴	۱۲/۴	۱۹/۵	۲۳/۸	۲۹/۵	۱۴/۸	شیعه	طبیعی است که در برخورد و ارتباط با پیروان مذهب دیگر (شیعه و سنی) گاهی از آن‌ها تأثیر بپذیریم.
			۱۰/۰	۲۶/۸	۲۷/۳	۲۲/۵	۱۳/۴	سنی	
/۰۲۶	۴	۱۱/۰۳۷	۲۴/۳	۳۰/۵	۲۷/۱	۱۷/۰	۷/۱	شیعه	آشنا شدن با برخی اعتقادات پیروان مذهب دیگر (شیعه و سنی) برای من جالب و مفید بوده است.
			۳۱/۱	۳۱/۶	۱۵/۸	۹/۱	۱۲/۷	سنی	
/۱۶۵	۴	۶/۴۹۶	۴۱/۴	۲۸/۱	۱۶/۲	۷/۱	۷/۱	شیعه	من این امر را می‌پذیرم که طرفداران مذاهب مختلف می‌توانند آزادانه براساس ارزش‌های خود رفتار کنند.
			۴۸/۱	۲۶/۷	۱۲/۹	۹/۵	۲/۹	سنی	
/۱۱۷	۴	۷/۳۸۲	۳۷/۱	۴۴/۸	۱۲/۴	۲/۹	۲/۹	شیعه	اینکه پیروان مذهب دیگر (شیعه و سنی)، ارزش‌ها و اعتقاداتشان تاحدی با ما متفاوت است، یک امر عادی و طبیعی است.
			۳۶/۲	۳۶/۲	۱۸/۱	۶/۷	۲/۹	سنی	
/۰۷۹	۴	۸/۳۵۳	۴۱/۱	۳۶/۸	۱۵/۳	۳/۸	۲/۹	شیعه	تعامل میان پیروان مذهب دیگر (شیعه و سنی) در بسیاری موارد، مفید و سازنده است.
			۳۱/۰	۳۶/۷	۲۱/۴	۸/۱	۲/۹	سنی	

#### فرضیه (۴). دیدگاه‌های اهل سنت و شیعیان در مورد پذیرش تفاوت‌های میان شیعه و سنی تفاوت معناداری دارند.

پذیرش تفاوت‌های میان شیعه و سنی به‌عنوان یک متغیر ترکیبی، دارای میانگین ۳۳/۲ است که از میانگین موردانتظار (ترکیبی از ۹ متغیر با میانگین موردانتظار ۲۷) کمتر است، یعنی درجه تقلیل تفاوت فرهنگی و قومی از سطح متوسط بیشتر است که حاکی از غیرنرمال نبودن وضعیت است. نتیجه آزمون یومن و یتنی ( $z=-1.965, sig= /049$ ) تأیید شد و نشان داد که شیعیان از درجه بالاتری از مدارای فرهنگی برخوردار هستند.

#### ۴-۵. انطباق با تفاوت‌ها میان شیعه و سنی

گروه‌های فرهنگی ممکن است برای مقابله با ناسازگاری‌ها، درجه انطباق خود با فرهنگ دیگر را افزایش دهند. این انطباق موجب سازگاری فرهنگی می‌شود؛ مثلاً ۵۵/۲ درصد از اهل سنت و ۸۲/۳ درصد از شیعیان بر این نظرند که اهل تسنن و اهل تشیع می‌توانند در برخی مراسم مذهبی یکدیگر شرکت کنند. همچنین، ۴۷/۳ درصد از اهل سنت و ۵۶/۷ درصد از اهل تشیع بیان کرده‌اند که: «اهل تسنن و اهل تشیع می‌توانند در برخی موارد براساس دستورات دینی یکدیگر رفتار کنند». این دیدگاه از نظر آماری نیز تفاوت معناداری ندارد که همسویی دیدگاه شیعه و سنی را نشان می‌دهد. یافته‌ها حاکی از درجه بالای انطباق و مدارای فرهنگی است، اما تفاوت دیدگاه‌های شیعه و سنی در فرضیه شماره (۵) آزمون شده است.



جدول شماره (۸). دیدگاه شیعه و سنی درباره انطباق با تفاوت‌ها

سطح معناداری	درجه آزادی	آزمون $\chi^2$	کاملاً موافقم	موافقم	تأجیدی	مخالقم	کاملاً مخالفم	
/۲۰۹	۴	۵/۸۶۷ <sup>a</sup>	۵۳/۸	۳۴/۳	۸/۱	۲/۴	۱/۴	شیعه
			۴۳/۳	۳۹/۵	۱۰/۰	۳/۸	۳/۳	سنی
/۱۰۰۰	۴	۴۰/۱۴۰ <sup>a</sup>	۴۲/۶	۳۹/۷	۱۲/۹	۳/۳	۱/۴	شیعه
			۲۷/۱	۲۸/۱	۲۲/۹	۱۴/۳	۷/۶	سنی
/۷۳۳	۴	۲/۰۱۶ <sup>a</sup>	۴۱/۰	۳۳/۳	۱۷/۱	۳/۳	۵/۲	شیعه
			۳۹/۰	۳۱/۴	۲۱/۰	۴/۸	۳/۸	سنی
/۱۰۰۲	۴	۱۶/۸۶۵ <sup>a</sup>	۴/۸	۱۶/۳	۳۴/۹	۳۲/۵	۱۱/۵	شیعه
			۱۳/۳	۱۹/۰	۲۱/۴	۳۱/۰	۱۵/۲	سنی
/۶۷۳	۴	۲/۳۴۴ <sup>a</sup>	۳۱/۴	۳۱/۰	۲۲/۹	۱۱/۰	۳/۸	شیعه
			۳۳/۰	۳۰/۱	۲۴/۴	۷/۲	۵/۳	سنی
/۰۸۶	۴	۸/۱۴۹ <sup>a</sup>	۲۲/۹	۳۳/۸	۲۶/۲	۱۱/۹	۵/۲	شیعه
			۲۳/۹	۲۳/۴	۲۶/۳	۱۹/۱	۷/۲	سنی



فرضیه (۵). دیدگاه‌های اهل سنت و شیعیان در مورد انطباق با تفاوت‌های میان شیعه و سنی تفاوت معناداری دارد.

انطباق با تفاوت‌های میان شیعه و سنی به‌عنوان یک متغیر ترکیبی، دارای میانگین ۲۲/۱۴ است که از میانگین موردانتظار (ترکیبی از ۶ متغیر با میانگین موردانتظار ۱۸) بیشتر است، یعنی درجه انطباق با تفاوت‌های فرهنگی و قومی از سطح متوسط بیشتر است که حاکی همسویی و سازگاری فرهنگی شیعیان و اهل سنت است. نتیجه آزمون یومن ویتنی ( $z=-1.743$ ,  $sig=0.081$ ) تأیید نشد و نشان داد که هر دو گروه شیعه و سنی برای انطباق با تفاوت‌ها تلاش می‌کنند و شباهت دارند.

۴-۶. ادغام تفاوت‌ها میان شیعه و سنی

ادغام تفاوت‌ها، درجه بالایی از همسویی و درهم‌تنیدگی فرهنگی را نشان می‌دهد؛ مثلاً ازدواج میان دو گروه فرهنگی، نشانگر سازگاری و درهم‌تنیدگی است. نتایج به‌دست‌آمده نیز نشان می‌دهد که ۴۸/۵ درصد اهل سنت و ۶۸/۶ درصد از شیعیان معتقدند، ازدواج میان پیروان مذاهب مختلف (شیعه و سنی) مانعی ندارد. همچنین، ۳۵/۸ درصد از اهل سنت و ۴۶/۲ درصد از اهل تشیع بیان کرده‌اند که رابطه روزمره با پیروان مذهب دیگر، موجب مثبت شدن نظر من درباره آن‌ها شده است. تفاوت دیدگاه شیعه و سنی در فرضیه شماره (۶) به آزمون گذاشته شد.

جدول شماره (۹). دیدگاه شیعه و سنی درباره ادغام تفاوت‌ها

سطح معناداری	درجه آزادی	آزمون $\chi^2$	کاملاً موافقم	موافقم	تاحدی	مخال فم	کاملاً مخالفم	
/۵۹۳	۴	۲/۷۹۲ <sup>a</sup>	۱۳/۹	۴/۲۴	۳۱/۶	۲۰/۶	۹/۶	رابطه روزمره با پیروان مذهب دیگر (شیعه و سنی) موجب شیعه مثبت شدن نظر من درباره آن‌ها شده است
			۱۶/۲	۳۰/۰	۲۷/۱	۱۷/۶	۹/۰	
/۱۰۰۰	۴	۲/۳۰۹ <sup>a</sup>	۳۸/۶	۳۰/۰	۱۲/۹	۱۱/۴	۷/۱	از نظر من، ازدواج میان پیروان مذاهب مختلف (شیعه و سنی) مانعی ندارد.
			۲۷/۱	۲۱/۴	۲۴/۳	۱۱/۴	۱۵/۷	

فرضیه (۶). دیدگاه‌های اهل سنت و شیعیان درباره ادغام تفاوت‌های میان شیعه و سنی تفاوت معناداری دارند.

ادغام تفاوت‌های میان شیعه و سنی به‌عنوان یک متغیر ترکیبی، دارای میانگین ۶/۷ است که از میانگین موردانتظار (ترکیبی از ۲ متغیر با میانگین موردانتظار ۶ است) کمی بیشتر است، یعنی درجه ادغام تفاوت فرهنگی و قومی دارای سطح متوسط کمی است که حاکی از غیرنرمال نبودن وضعیت است. نتیجه آزمون یو من ویتنی ( $z=-1.779, sig=.075$ ) تأیید نشد و نشان داد که هردو گروه شیعه و سنی در مورد ادغام تفاوت‌ها، دیدگاه‌های مشابهی دارند.

#### ۴-۷. قوم‌مداری فرهنگی میان اهل سنت و شیعه

قوم‌مداری فرهنگی، موجب شکاف در روابط اجتماعی و فرهنگی می‌شود. در این پژوهش قوم‌مداری براساس انکار وجود تفاوت‌های فرهنگی، دفاع از وجود تفاوت‌ها، و فروکاستن تفاوت‌ها، سنجیده شد. سنجش قوم‌مداری فرهنگی میان اهل سنت و شیعیان در فرضیه شماره (۷) آزمون شد.

فرضیه (۷). دیدگاه‌های اهل سنت و شیعیان در مورد قوم‌مداری فرهنگی تفاوت معناداری دارند. قوم‌مداری فرهنگی میان شیعه و سنی به‌عنوان یک متغیر ترکیبی دارای میانگین ۵۶/۶۵ است که از میانگین موردانتظار (ترکیبی از ۲۰ متغیر با میانگین موردانتظار ۶۰) اندکی کمتر است، یعنی درجه قوم‌مداری اندکی از سطح متوسط بیشتر است که حاکی از وجود وضعیت کمی نامتعادل در روابط میان شیعه و سنی است. نتیجه آزمون یو من ویتنی ( $z=-1.769, sig=.057$ ) تأیید شد و نشان داد که در مجموع، شیعیان (با نمره میانگین بیشتر) درجه قوم‌مداری فرهنگی کمتر و اهل سنت (با نمره کمتر) درجه قوم‌مداری بیشتری دارند.

#### ۴-۸. نسبی‌گرایی فرهنگی میان اهل سنت و شیعیان

نسبی‌گرایی فرهنگی، نشان‌دهنده درجه انعطاف و مدارای دو فرهنگ است. در این پژوهش درجه





نسبی‌گرایی فرهنگی براساس پذیرش تفاوت‌ها، انطباق با تفاوت‌ها، و ادغام تفاوت‌ها سنجیده شد. سنجش نسبی‌گرایی فرهنگی میان اهل سنت و شیعیان در فرضیه شماره (۸) به آزمون گذاشته شد. فرضیه (۸). دیدگاه‌های اهل سنت و شیعیان دربارهٔ نسبی‌گرایی قومی در فرهنگ تفاوت معناداری دارند.

نسبی‌گرایی فرهنگی میان شیعه و سنی به‌عنوان یک متغیر ترکیبی، دارای میانگین  $۶۲/۰۹$  است که از میانگین موردانتظار (ترکیبی از ۱۷ متغیر با میانگین موردانتظار ۵۱) بیشتر است، یعنی نسبی‌گرایی از سطح متوسط بیشتر است که حاکی از وجود وضعیت مطلوب و روابط عادی و طبیعی میان شیعه و سنی است. نتیجه آزمون یو-من ویتنی ( $z=-7.121, sig=/.00$ ) تأیید شد و نشان داد که درجه نسبی‌گرایی فرهنگی میان شیعیان کمی بیشتر از اهل سنت است.

جدول شماره (۱۰). میانگین متغیرها در آزمون فرضیات

تعداد نمونه‌ها	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار	
۴۱۸	۳	۱۵	۸/۸۸	۲/۷۸۱	انکار تفاوت‌ها
۴۰۶	۸	۴۰	۱۹/۶۲	۷/۰۰۰	دفاع از تفاوت‌ها
۴۱۹	۷	۳۵	۲۸/۱۷	۴/۸۶۵	فروکاستن تفاوت‌ها
۴۱۶	۱۱	۴۵	۳۳/۲۱	۵/۷۸۷	پذیرش تفاوت‌ها
۴۱۶	۷	۳۰	۲۲/۱۴	۳/۸۲۴	انطباق با تفاوت‌ها
۴۱۹	۲	۱۰	۶/۷۶	۲/۰۰۲	ادغام تفاوت‌ها
۴۰۳	۱۹	۹۰	۵۶/۶۵	۱۱/۴۶۹	قوم‌مداری فرهنگی
۴۱۱	۲۳	۸۴	۶۲/۰۹	۱۰/۰۱۳	نسبی‌گرایی قومی
۳۹۵	۴۲	۱۷۲	۱۱۸/۵۷	۱۹/۲۵۸	درجه حساسیت

جدول شماره (۱۱). مقایسه رتبه میانگین در آزمون یو-من ویتنی در آزمون فرضیات

دو گروه مذهبی	تعداد نمونه‌ها	رتبه اندازه میانگین	مجموع رتبه	رتبه اندازه آزمون U من ویتنی	اندازه ویلکاکسون	Z	سطح معناداری	
شیعه	۲۰۸	۲۵۲/۶۱	۵۲۵۴۲/۵۰	۱۲۸۷۳/۵۰	۳۵۰۲۸/۵۰	-۷/۳۰۴	/۰۰۰	انکار تفاوت‌ها
سنی	۲۱۰	۱۶۶/۸۰	۳۵۰۲۸/۵۰					
شیعه	۲۰۲	۲۴۳/۶۹	۴۹۲۲۵/۰۰	۱۲۴۸۶/۰۰	۳۳۳۹۶/۰۰	-۶/۸۷۵	/۰۰۰	دفاع از تفاوت‌ها
سنی	۲۰۴	۱۶۳/۷۱	۳۳۳۹۶/۰۰					
شیعه	۲۰۹	۲۲۵/۷۱	۴۷۱۷۳/۵۰	۱۸۶۶۱/۵۰	۴۰۸۱۶/۵۰	-۲/۶۵۶	/۰۰۸	فروکاستن تفاوت‌ها
سنی	۲۱۰	۱۹۴/۳۶	۴۰۸۱۶/۵۰					

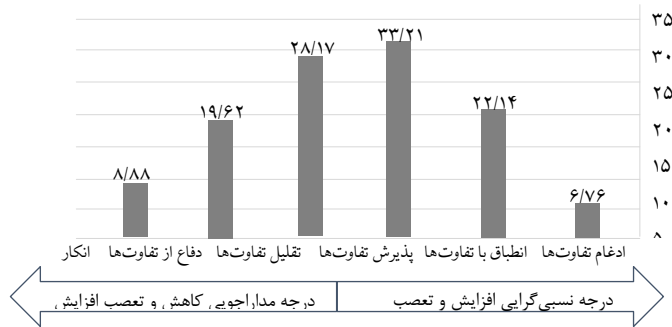
دو گروه مذهبی	تعداد نمونه‌ها	رتبه اندازه میانگین	مجموع رتبه	آزمون U من ویتنی	اندازه ویلکاکسون	Z	سطح معناداری	
شیعه	۱۹۹	۲۴۳/۸۱	۴۸۵۱۸/۵۰	۱۹۴۶۶/۰۰۰	۴۱۲۰۲/۰۰۰	-۱/۷۶۹	/۰۵۷	قوم‌مداری فرهنگی
سنی	۲۰۴	۱۶۱/۲۱	۳۲۸۸۷/۵۰					
شیعه	۲۰۸	۲۱۸/۹۱	۴۵۵۳۴/۰۰	۱۹۲۳۲/۵۰۰	۴۰۹۶۸/۵۰۰	-۱/۹۶۵	/۰۴۹	پذیرش تفاوت‌ها
سنی	۲۰۸	۱۹۸/۰۹	۴۱۲۰۲/۰۰					
شیعه	۲۰۸	۲۲۰/۰۴	۴۵۷۶۷/۵۰	۱۹۸۰۸/۵۰۰	۴۱۹۶۳/۵۰۰	-۱/۷۴۳	/۰۸۱	انطباق با تفاوت‌ها
سنی	۲۰۸	۱۹۶/۹۶	۴۰۹۶۸/۵۰					
شیعه	۲۰۹	۲۲۰/۲۲	۴۶۰۲۶/۵۰	۱۸۹۷۴/۵۰۰	۴۰۲۹۵/۵۰۰	-۱/۷۷۹	/۰۷۵	ادغام تفاوت‌ها
سنی	۲۱۰	۱۹۹/۸۳	۴۱۹۶۳/۵۰					
شیعه	۲۰۵	۲۱۶/۴۴	۴۴۳۷۰/۵۰	۱۱۹۷۷/۵۰۰	۳۲۸۸۷/۵۰۰	-۷/۱۲۱	/۰۰۰	نسبی‌گرایی قومی
سنی	۲۰۶	۱۹۵/۶۱	۴۰۲۹۵/۵۰					
شیعه	۱۹۵	۲۲۸/۰۶	۴۴۴۷۱/۵۰	۱۳۶۳۸/۵۰۰	۳۳۷۳۸/۵۰۰	-۵/۱۶۸	/۰۰۰	حساسیت میان‌فرهنگی
سنی	۲۰۰	۱۶۸/۶۹	۳۳۷۳۸/۵۰					

#### ۹-۴. حساسیت در روابط فرهنگی میان اهل سنت و شیعیان

حساسیت فرهنگی به معنای وجود درجه بالای قوم‌گرایی و درجه پایین نسبی‌گرایی فرهنگی در جامعه است که برای سنجش آن باید میزان مدارای اجتماعی بررسی شود. فرضیه اصلی الگوی میل‌تون بنت در سنجش حساسیت فرهنگی این است که زمانی که تجربه تفاوت میان فرهنگی افراد، پیچیده‌تر و دشوارتر شود، قابلیت بالقوه آن‌ها در روابط میان فرهنگی افزایش خواهد یافت و در نتیجه، سازگاری یا عدم سازگاری فرهنگی در میان فرهنگ‌ها ایجاد می‌شود. درجه حساسیت فرهنگی شیعه و سنی در فرضیه شماره (۹) آزمون شده است. فرضیه (۹) حساسیت فرهنگی شیعه و سنی تفاوت معناداری با یکدیگر دارند.

حساسیت فرهنگی میان شیعه و سنی به عنوان یک متغیر ترکیبی دارای میانگین ۱۱۸/۵۷ است که از میانگین موردانتظار (ترکیبی از ۳۷ متغیر با میانگین موردانتظار ۱۱۱) کمی بیشتر است. نتیجه آزمون یو من ویتنی ( $z=-5.168, sig=/.000$ ) تأیید شد و مقایسه میانگین‌ها (شیعه برابر ۲۲۸/۰۶ و سنی برابر ۱۶۸/۶۹) نشان داد که درجه حساسیت فرهنگی در میان اهل سنت (با نمره کمتر) بیشتر از اهل تشیع است. در مجموع با نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه (۷) و فرضیه (۹) مشخص شد که درجه تعصب و حساسیت فرهنگی در بین اهل سنت کمی بیشتر از شیعیان است. در نمودار شماره (۱) پیوستار نظری بنت که از انکار شروع و به هم‌آمیزی ختم می‌شود، نشان داده شده است.





نمودار شماره (۱). تعصب‌گرایی تا نسبی‌گرایی در حساسیت فرهنگی شیعه و سنی در منطقه جنوب

همان‌گونه که نمودار نشان می‌دهد، درجه قوم‌مداری (انکار تفاوت، تأکید بر تفاوت، و دفاع از تفاوت) در مقایسه با وضعیت انتقالی و میانی (فروکاستن تفاوت و پذیرش تفاوت) رتبه پایین‌تری دارد که حاکی از بحرانی نبودن وضعیت روابط میان اهل سنت و شیعیان است. با این حال، درجه قوم‌مداری در مقایسه با درجه نسبی‌گرایی فرهنگی، پایین‌تر است.



نمودار شماره (۲). مقایسه تعصب‌گرایی تا نسبی‌گرایی میان شیعیان و اهل تسنن در منطقه جنوب

نمودار شماره (۲) نیز نشان می‌دهد<sup>۱</sup> که میزان قوم‌گرایی (انکار تفاوت، تأکید بر تفاوت، و دفاع از تفاوت) میان اهل سنت بیشتر از شیعیان است (در نمودار رتبه کمتری دارد) و فروکاستن تفاوت‌ها در شیعیان بیشتر از اهل سنت است.

۱. در بررسی این نمودار باید دقت شود که هرچه نمره‌های سمت راست نمودار (انکار، دفاع، و تقلیل) کمتر باشد، درجه تعصب و قوم‌مداری بیشتر است و هرچه نمره‌های سمت چپ نمودار (پذیرش، انطباق، و ادغام) بیشتر باشد، درجه مدارا و نسبی‌نگری فرهنگی بیشتر است.

## بحث و نتیجه‌گیری

تعارض میان شیعیان و اهل سنت، هم در سطح روابط بین‌فردی و هم در سطح روابط میان دولت‌ها و جوامع، آشکار می‌شود؛ از همین رو، باید به همگرایی میان شیعه و سنی نیز در سطوح خرد و کلان توجه کرد. در این مقاله سه سطح همگرایی از یکدیگر تفکیک شده‌اند؛ سطح نخست، وحدت یا اتحاد اسلامی است که اغلب یک وحدت سیاسی میان شیعیان و اهل سنت مدنظر است؛ دوم، سطح تقریب مذاهب که براساس آن، عالمان دینی بر روایت‌های دینی همسوکننده میان پیروان اسلام تأکید می‌کنند؛ در سطح سوم، بر همگرایی و انسجام اجتماعی میان پیروان مذهبی تأکید می‌شود. این همگرایی براساس یک برنامه سیاسی یا توافق دینی به‌دست نمی‌آید، بلکه طی قرن‌ها همزیستی فرهنگی و تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد. در مقاله حاضر، بر مطالعه سطح سوم همگرایی تأکید شده است.

در جمع‌بندی مطالعات انجام‌شده می‌توان گفت، بخش مهمی از اختلاف‌های میان شیعیان و اهل سنت در ایران، ماهیت اجتماعی دارد نه مذهبی؛ به عبارت دیگر: الف) بخش مهمی از اختلاف‌های میان شیعیان و اهل تسنن در ایران، در نارضایتی از میزان توسعه اجتماعی مناطق اهل سنت ریشه دارد. احساس نابرابری در توزیع منابع، امکانات اجتماعی، و فرصت‌های شغلی، موجب افزایش نارضایتی در مناطق سنی‌نشین شده و در مواردی، موجب افزایش احساس تعارض مذهبی می‌شود؛ ب) بخش دیگری از اختلاف‌های میان شیعیان و اهل تسنن در ایران، در اختلاف‌های قومیتی ریشه دارد. تحریک حساسیت‌های سیاسی توسط برخی گروه‌های قومیتی، موجب افزایش احساس تعارض مذهبی در برخی مناطق شده است؛ ج) بخش دیگری از اختلاف‌های شیعی-سنی در ایران، در رقابت اکثریت و اقلیت اجتماعی بودن آن‌ها ریشه دارد که موجب می‌شود، نوعی هویت‌یابی حاشیه‌ای یا منزوی و در مواردی، نوعی هویت مقاومت و منفی در بین اهل سنت شکل بگیرد. عملکرد رسانه‌ای اکثریت و زمینه‌سازی برای مشارکت اقلیت، راهی برای از بین بردن هویت مقاومت و کاهش تعارض‌های اجتماعی میان اقلیت و اکثریت است؛ د) بخش دیگری از اختلاف‌های شیعی-سنی در ایران، ناشی از عدم آموزش مهارت‌های ارتباطی میان‌فرهنگی است. کم بودن شناخت اجتماعی گروه‌های مذهبی و قومیتی از یکدیگر، مانع افزایش مدارای اجتماعی می‌شود. این امر حساسیت فرهنگی را در میان آن‌ها بالا می‌برد. این جریان، زمینه را برای افزایش تعارض میان



شیعیان و اهل تسنن ایجاد می‌کند. مقاله حاضر، مورد آخر (بند د) از مجموعه تعارض‌های اجتماعی و فرهنگی را به صورت میدانی، مطالعه کرده است.

در مقاله حاضر، برای ارزیابی همگرایی و واگرایی روابط اجتماعی اهل سنت و شیعیان در جغرافیای تحقیق (جنوب و جنوب غرب ایران)، به تحلیل و ارزیابی این پرسش پرداخته‌ایم که تعاملات میان شیعیان و اهل سنت چه درجه‌ای از تعصب‌گرایی و نسبی‌گرایی فرهنگی دارد؟ به عبارت دیگر، حساسیت فرهنگی میان اهل تسنن و شیعیان، چه سطحی از واگرایی (برتری‌جویی، تحقیر، و بی‌تفاوتی فرهنگی) و همگرایی (همدلی، پذیرش تفاوت فرهنگی، و هضم‌شدگی فرهنگی) را نشان می‌دهد؟

نتایج مطالعه میدانی برای پاسخ به این پرسش نشان داد که اهل سنت، دیدگاه قوم‌مدارانه‌تری در مقایسه با شیعیان دارند که البته این امر دور از انتظار نیست، زیرا در حال حاضر، اهل سنت در وضعیت یک گروه اقلیت قرار دارند و برای بقای اجتماعی خود، دیدگاه‌های محافظه‌کارانه و محتاطانه‌تری را دنبال می‌کنند. باین حال، شیعیان از درجه نسبی‌گرایی فرهنگی بیشتری برخوردار هستند؛ به این معنا که در رویارویی با اهل سنت مدارای فرهنگی و تمایل به پذیرش و حتی ادغام دارند. همین دیدگاه است که موجب همزیستی، همگرایی، و درهم‌تنیدگی اجتماعی شیعه و سنی در جنوب استان فارس شده است.



فصلنامه علمی پژوهشی

۱۸۴

دوره ۱۱، شماره ۳  
پاییز ۱۳۹۷  
پیاپی ۴۳



## منابع

احمدزاده، مصطفی و همکاران (۱۳۸۵). بررسی حساسیت بین فرهنگی آمریکاییان نسبت به ایرانیان. برگرفته از: <http://mahmadzadeh.andishvaran.ir/fa/ScholarMainpage.html>

امیر اردوش، محمدحسین (۱۳۸۹). مؤلفه‌ها و مقوم‌های نظریه وحدت اسلامی در سده سیزدهم هجری. برگرفته از <http://tayeb1.blogfa.com/post/64>

خیرخواه، طاهره (۱۳۸۶). بررسی حساسیت بین فرهنگی مهاجران افغانی و ایرانیان نسبت به یکدیگر براساس انگاره‌های ذهنی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

عاملی، سعیدرضا؛ و مولایی، حمیده (۱۳۸۸). دوجوانی شدن‌ها و حساسیت میان فرهنگی: مطالعه موردی روابط بین فرهنگی اهل تسنن و تشیع در استان گلستان. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. ۲(۲)، ۲۹-۱. doi: 10.7508/IJCR.2009.06.001

کاتم، ریچارد (۱۳۷۱) ناسیونالیسم در ایران (مترجم: احمد تدین). تهران: کویر.

لونیس، برنارد (۱۳۷۲). ظهور ترکیه نوین: مطالعه تاریخ خاورمیانه (مترجم: محسن علی سبحانی). تهران: مؤلف.

مطهری، شهیدمرتضی (۱۳۸۹). الغدیر و وحدت اسلامی. در: سیدجعفر شهیدی (به‌اهتمام)، یادنامه علامه امینی (ص ۲۳۱). قم: بوستان کتاب.

الویری، محسن (۱۳۸۷) تعیین سیاست‌های هم‌گرایی بین مذاهب رسمی کشور، طرح پژوهشی در کارگروه مدیریت کلان دستگاه‌های فرهنگی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

هادی، قربانعلی (۱۳۸۸). نگرش تطبیقی به وحدت اسلامی و ملی‌گرایی. فصلنامه اندیشه تقریب، ۲۱، ۹۰-۶۹.

Bennett, M.J. & Hammer, M.R. (1998, 2001). *The intercultural development inventory (IDI): Manual*. Portland, OR: The Intercultural Communication Institute.

Hammer, M.R., Bennett, M.J., & Wiseman, R. (2003). Measuring intercultural sensitivity: The intercultural development inventory. *International Journal of Intercultural Relations*, 27(4), 421-443. doi:10.1016/s0147-1767(03)00032-4

Kashima. T. (2006). *Phenomenological research on the Intercultural: Returned Peace Corps Volunteers in the Athens Community* (MA Thesis). Ohio University.

Michael Paige, R., Jacobs-Cassuto, M., Yershova, Y. A., & DeJaeghere, J. (2003). Assessing intercultural sensitivity: an empirical analysis of the Hammer and Bennett Intercultural Development Inventory. *International Journal of Intercultural Relations*, 27(4), 467-486. doi: 10.1016/s0147-1767(03)00034-8

